

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۲۰ اکتوبر ۲۰۰۹

شکوه ۱۵

(۹) در جرمنی :

{ ج }

هفته نو ، بهر پلانش دوید
سالون چند قسمتی را خرید
قسمتی بر عقد و عروسی ، جدا
قسمتی بر فاتحه خوانی جدا
وای و جب ، سالون افغان نگر
هر طرفش ، روشن و تابان نگر
جای جشنی چو به صرف طعام
اتاق زیبائی به حرف و کلام
قسمتی مخصوص به رقص و اتن
روشن و پر عطر و گل یاسمن
وای و جب ، سالون افغان نگر
روز و شبش ، پر شده مهمان نگر
یک شبی گر جشن عروسی بود
نیم غذا ، بهر فروشی بود

میوه و نوشابه و نخ تیش و چای
قسمتی دندی زده و جابجای
وای و جب ، دندی. افغان نگر
یخ زده و باز ، فروشان نگر
آنچه اضافیست ، به کنسرت برند
تا همه مردم بخورند و خرند
باقی و پسمانده به امبیس. او
پر شده بشقاب و همه دیس. او
وای و جب ، دزدی. افغان نگر
از همه ، حتا که ز میزبان نگر
گاهی کند دعوت خواننده ها
هم ز هنر مند و نوازنده ها
رقص. عرب ، با یکی رقاصه ها
دور و برش پُر، شمع و پروانه ها
وای و جب ، پول. جوانان نگر
بر سر رقاصه ، بیاشان نگر
سرو به امبیس ، غذا های شرق
کامله بفروخته ، مانند برق
جمله غذا ، باسی و پسمانده است
مشتریان را ز خودش رانده است
وای و جب ، کانتین. افغان نگر
هر طرفش ، روشن و تابان نگر

XXXXXXXXXXXXXXXXX

شکوه ۵۲

(۹) در جرمنی :

{ د }

شیرِ یخ و قهوه و چای و ککو
پولی بپرداز و سر انگشت بجو
کوکا کولا ، آجو و هم شراب
فکر همه گشته ز نرخش خراب
وای و جب ، کانتین افغان نگر
خالی کن جیب هر انسان نگر
بقیه دارد